

نوارهای سلطنتی در ایران از آغاز شکل‌گیری (در دوران مادها) تا پایان دوره ساسانی

احمد زارع ابرقویی*

سیدرسول موسوی حاجی**، جمشید روستا***

چکیده

نوارهای سلطنتی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر نمادین برای تعیین جایگاه پادشاهان و درباریان، در هنر دوره‌های سلطنتی ایران کاربردی ویژه داشته‌است. این مقاله در پی آن است که با بررسی نوارهای سلطنتی، از زمان مادها تا پایان دوره ساسانی، سیر تکامل این نوارها را توضیح دهد. برای نیل به این هدف، نقش‌های نواردار از زمان مادها تا پایان دوره ساسانی مورد مطالعه قرارگرفت و سیری منطقی و تکاملی در آن مشاهده شد، چنان‌که این نوارها در آغاز جزئی از کلاه مادها بود و نمادی برای درباریان؛ در دوره اشکانی، هویتی مستقل یافت و نمادی برای پادشاهی شد؛ از طریق حاکمان پارس، نوارهای سلطنتی به دوره ساسانی راه یافت و به اوج شکوه و جلال رسید، چراکه هنر شاهانه ساسانی نیازمند چنین نمادی برای سلطنت بود و این مدعا در بررسی جایگاه عناصر، اشیاء و اشخاصی که در هنر ساسانی نواردار ترسیم شده‌اند، قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: نوارهای سلطنتی، نماد، سلطنت، ساسانی.

۱. مقدمه

زبان نشانه و استفاده از عناصر نمادین از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در بیان ناگفته‌های بشر

* کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) ahmadzare62@gmail.com

** دانشیار باستان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران seyyed_rasool@yahoo.com

*** استادیار تاریخ و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان jamshidroosta@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱

داشته‌است. تاریخ نشان می‌دهد هرچیزی می‌تواند معنای نمادین داشته‌باشد. در حقیقت، تمامی جهان یک نماد بالقوه است. انسان با گرایش طبیعی که به آفرینش نمادها دارد، گویی ناخودآگاه، اشیاء یا اشکال را تغییر می‌دهد تا حالتی مذهبی و هنری به آن‌ها ببخشد (یونگ، ۱۳۸۶: ۳۵۲). این کاربرد نمادین در هنر ایران، خصوصاً ایران باستان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است. از عناصر نمادین در هنر ایران، برای نشان‌دادن مفهوم سلطنت و جایگاه افراد و اشیاء درباری، نوارهای سلطنتی هستند که از آغاز نخستین پادشاهی رسمی ایران، یعنی مادها، تا پایان دوره ساسانی حضور دارند، هرچند نباید از یاد برد که نمود آن‌ها در دوره‌های مختلف، متفاوت است. مطابق با این مدعا، پرسش‌هایی مطرح می‌گردد: سیر تکامل نوارهای سلطنتی در ایران از آغاز تا پایان دوره ساسانی چگونه صورت‌یافت؟ چرا نمود واقعی نوارهای سلطنتی در دوره ساسانی است؟ چگونه می‌توان این مدعا را اثبات کرد؟ و در پاسخ به این پرسش‌ها باید بیان داشت که نوارهای سلطنتی در ایران به زمان مادها، جزئی از باشلق یا کلاه درباریان بود. باشلق‌های مادی به پارتیان و حاکمان پارس رسید، ولی به سرعت چیزی جز نواری ساده از آن باقی‌نماند که به شکل سربند بر پیشانی اکثر شاهان اشکانی مشاهده می‌شود. از طریق حاکمان پارس، که اعقاب ساسانیان بودند، نوارهای سلطنتی به دوره ساسانی راه یافت و اوج استفاده از این نماد سلطنتی را در این دوره می‌توان مشاهده کرد. از آنجایی که هنر ساسانی، هنری کاملاً در اختیار تجلیل از پادشاه است، نوارهای سلطنتی در این دوره از جایگاهی ویژه برخوردار هستند. با بررسی نقوش نواردار ساسانی، می‌توان پی‌برد که تمام این نقوش به نوعی به پادشاه و مفهوم «سلطنت» مربوط می‌شوند.

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات توصیفی است. برای تأمین این منظور، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از میان منابع و پژوهش‌های صورت‌گرفته قبلی استخراج گردیده و تا حصول نتایج علمی، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند.

۲. نوارهای سلطنتی در میان مادها

اگرچه در آثار باقی‌مانده از مادها نقشی از تاج و دیهیم وجود ندارد، نخستین پادشاهی ایرانی که در میان آن‌ها نوارهای سلطنتی به چشم می‌خورد، مادها هستند. مسلماً، بزرگان و پادشاهان مادی نیز مانند هخامنشیان از انواع تاج و دیهیم استفاده می‌کردند، ولی مدرکی در

این مورد از خود به جا نگذاشته‌اند؛ فقط، می‌توان در نقوش تخت‌جمشید انواع کلاه را بر سر آن‌ها مشاهده کرد. کلاه نزد مادها علاوه بر پوشش، جنبه آرایشی و نمایشی نیز داشته‌است. آن‌ها برای نمایش خصوصیات مذهبی، صنفی یا قومی و نژادی خود از کلاه استفاده می‌کردند. مهم‌ترین آن‌ها تیار یا میتر و باشلق بود. «پارس‌ها به تقلید از مادها تیار یا کلاه نمادی نرمی بر سر و ردایی آراسته با روکش شلوار داشتند» (Chrissanthos, 2008: 22).

تیار یا تیارا کلاهی نمادی است که به شکل تاجی مخروطی بلند و در جلو برآمده است که دنباله آن به صورت نواری در پشت گردن آویزان است، نگهبانان و خدمتگزاران و نیز رئیس نمایندگان خراجگزار چنین کلاهی بر سر دارند (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۸) (تصویر ۱).

نوع دوم کلاه، باشلق مادی است که انواع مختلف آن در بین مادها، آرامنه، پارت‌ها و مردم قفقاز رایج بود و هنوز هم نوع پوستی آن در سرمای سخت زمستان مورد استفاده تاتارها، ترکمن‌ها و قزاق‌ها قرار می‌گیرد. باشلق از نم‌ یا کتان بود و قسمت بالایی آن معمولاً نوک‌تیز و بلند و به شکل کیسه مخروطی به عقب یا جلو برگشته و در قسمت پشت دنباله کوتاهی داشت و در دو طرف نیز دو تکه اضافی گوش‌ها را می‌پوشاند که در زمان گفت‌وگو با شاه برای جلوگیری از دمیده شدن نفس به صورت شاه به کار برده می‌شد و بعدها به تقلید از مادها در میان پارس‌ها و پارت‌ها نیز رواج یافت^۱ (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۹-۹۲). سرفراز نیز کلاه‌های مادی نقوش تخت‌جمشید را به پنج دسته تقسیم می‌کند که چهار دسته از آن‌ها دنباله‌ای نوارمانند دارند و همگی را یا متعلق به دربار مادی یا ایل و تبار مادیان درباری می‌داند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۸۶). با توجه به این‌که تمام کلاه‌های نواردار مادها خاص درباریان است و در اکثر موارد این نوارها جزئی نمادین از کلاه محسوب می‌شوند، می‌توان این نوارها را به عنوان نمادی برای دربار در نظر گرفت.

۳. نوارهای سلطنتی در امپراتوری هخامنشیان

دانشنامه ایرانیکا در مدخل «تاج (Crown)» در دوران هخامنشی و ماد» به دیهیم اشاره‌ای دارد:

دیهیم (Diadem) رشته‌ای بود که اطراف سر پیچیده می‌شد و می‌توانست با تاج کنگره‌دار یا تیار پوشیده شود. پادشاهان آشوری نو (قرون ۹ تا ۷ قبل از میلاد) دیهیم را در ترکیب با یک کلاه بلند مثل کلاه فیس^۱ می‌پوشیدند در حالی که شاهزادگان دیهیم را به تنهایی به کار می‌بردند (Calmeyer, 2011).

«داریوش هخامنشی نیز به پیروی از آشوری‌ها سربندی به سر داشت (مثلاً در بیستون). ظاهراً، این سنت به فرعون مصر آمنوفیس سوم (۱۳۵۲-۱۳۹۰ ق م) می‌رسد و نماد خورشید بوده است»^۲ (سودآور، ۱۳۸۳: ۳۶). دربارهٔ دیهیم که به گمان، ریشهٔ اصلی این نوارهاست، به طور کامل در قسمت ساسانی پرداخته خواهد شد، ولی آنچه از شواهد تصویری باقی است، پوشش سر هخامنشیان اعم از کلاه‌های ترک‌دار و بدون ترک (راسته)، تاج یا افسر و کلاه حلقه‌ای آن‌ها هیچ‌کدام به صورت آشکار دنباله‌ای نوارمانند ندارد؛ فقط، روی یک سکهٔ هخامنشی محفوظ در موزهٔ بریتانیا (تصویر ۲) نقشی از بزرگ‌زادهٔ هخامنشی با کلاه راسته و لبهٔ متمایل به بیرون دیده می‌شود که بر لبهٔ پایین این کلاه نواری بسته شده و دنبالهٔ آن از پشت رهاست (رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۰۹). همچنین، بر روی مهری ظریف و زیبا محفوظ در موزهٔ لوور (تصویر ۳) زنی را مشاهده می‌کنیم که تاجی بر سر دارد و نواری از پس تاج او رها شده است (غیبی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). هرچند نوارهای سلطنتی جایگاه چشمگیری در هنر این دوره ندارد، می‌توان دید که همین نمونه‌های نادر از نقوش نواردار نیز مربوط به دربار هخامنشیان است.

۴. نوارهای سلطنتی در دورهٔ سلوکیان (معبد فراتهداره)

پس از شکست هخامنشیان، سرداران اسکندر ساتراپ‌های هخامنشی را میان خود تقسیم کردند. چند سال بعد، ادارهٔ امور فارس به دست فرمانروایان محلی داده شد که مدعی بودند از تبار هخامنشیان‌اند و خود را فراتهداره به معنی پرستار آتش می‌خواندند. در پای صفة تخت جمشید معبدی به همین نام بنا شد که با وجود کتیبه‌های یونانی موجود در آن، ایزدان کهن ایرانی در آن پرستش می‌شد. بر روی لغزهای سنگی پنجره‌ای در معبد، امیری (تصویر ۴) به همراه همسرش نقش شده است. هرچند نقوش آسیب‌دیده و ساییده شده‌اند، از روی شباهت‌های آن‌ها با سکه‌های به دست آمده می‌دانیم که یکی از نخستین فراتهداره‌های استخرند؛ دودمانی که احتمالاً پس از ۳۰۰ قبل از میلاد به امارت رسیده بود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۲). نقش مورد نظر دست راست خود را برافراشته و در دست چپ برسمی دارد و مشغول نیایش است و سربند یا نواری بلند از پشت سر او آویزان است. مسلماً، این نقش مربوط به یکی از نخستین حاکمان استخر است که بعداً به آن اشاره خواهد شد، لیکن از آنجایی که در دورهٔ سلوکیان نقش شده است، در این دوره مورد بررسی قرار گرفت. در این نقش نیز شاهد آن هستیم که شخص امیر، نواردار ترسیم شده است.

۵. نوارهای سلطنتی در امپراتوری اشکانی (پارت)

فرهنگ اشکانیان تلفیقی از فرهنگ شرق و غرب بود، چنان‌که در آغاز برای تسلط یافتن بر یونانیان، آداب و سنن یونانی را رعایت کردند و این در سکه‌هایشان نیز کاملاً مشهود است، ولی در پوشش تن و سر هرگز از آن‌ها تقلید نکردند (غیبی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). اکثر شاهان اشکانی دارای نوارسرهایی بودند که بر روی پیشانی بسته می‌شد و دنباله آن در پشت سر رها بود. این نوارها که اغلب نوارهای باریکی است، بر مچ پای آن‌ها نیز به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن را در مجسمه‌های مکشوفه در شهر هترا (واقع در عراق امروزی) می‌توان دید (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۱۰۳).^۳

در آغاز شاهان اشکانی دارای کلاه ساده‌ای بودند که به کلاه باشلقی معروف است. شبیه این کلاه را قبلاً بزرگان ماد و ساتراپ‌های هخامنشی بر سر می‌گذاشتند. این کلاه از پارچه ضخیم یا نمد ساخته می‌شد و دارای زبانه‌هایی بود که روی گوش و پشت سر را می‌پوشانید و نواری که زینت بخش کلاه بود در پشت سر گره می‌خورد و دو سر آن آزاد و آویزان بود و اغلب حاشیه کلاه مخصوصاً در جلو با دانه‌های درشت مروارید مزین می‌شد. اشکال مختلف این کلاه بر سکه‌های اشک اول، تیرداد اول و فرهاد اول دیده می‌شود. از زمان مهرداد اول شکل شاه بدون کلاه بر سکه‌ها نقش گردیده است و تاج فقط به صورت نواری به چشم می‌خورد که در پشت سر گره خورده است. این نوار یا سربند را می‌توان «نیم تاج» نامید که احتمالاً زرین نیز بوده است. نیم تاج به صورت یک یا چند خط بر روی سکه‌ها دیده می‌شود و از بالا نیز به صورت حلقه‌ای به نظر می‌رسد. این حلقه بدون شک همان نشان شهریاری است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۴).

جالب توجه است که بر روی بسیاری از سکه‌های اشکانی مراسم دیهیم‌ستانی به چشم می‌خورد. در این سکه‌ها، خدایان یونانی با هیبتی یونانی در حال تقدیم تاج گل (تاج شهریاری) یا نماد شاهی به شاه اشکانی در هیئت پادشاهان هخامنشی هستند (تصویر ۶). در بیشتر این مراسم، «نیک»، ایزد بخت و اقبال یونانی، تاج پیروزی را که نزد ایرانیان نماد فره شاهی می‌شود، تقدیم می‌کند (تصویر ۷). معنای نمادین این صحنه همیشه به قدرت رسیدن شاه است که از مضامین بسیار رایج هنر ساسانی است. اصل این‌گونه مضامین هنری از یونان است که در دوره ساسانیان نیز در ایران رواج می‌یابد (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۱، ۳۰۴). آقای سودآور بر این نظر است که این نوار نیز ریشه یونانی دارد:

در برخی از سکه‌های اشکانی فرشته‌ای سربندی ریسمانی شکل در دست دارد که به پهلوی «ددم» یا «دهیم» نام داشت و به زبان امروزی دیهیم گفته می‌شود. احتمالاً دیهیم اشکانی

مقتبس از سربند مشابه یونانی است که آن را دیادیم (diadem) می‌خواندند و به دور سر می‌بستند (سودآور، ۱۳۸۳: ۳۵، ۳۶).

هرچند باید توجه داشت که در برخی موارد تاج گل یا زیتون که در هنر یونانی پیشکش می‌شود، فاقد دنباله‌ای نواردار است (تصویر ۸) و این طور به نظر می‌رسد که اشکانیان این مراسم و تاج را از یونانیان اقتباس کردند، لیکن مانند دیگر موارد آن را با فرهنگ خود درآمیختند و نوارس‌های خود را به آن افزودند یا نوارهای سلطنتی را جایگزین آن کردند.

در نقش برجسته‌ای واقع در تنگ سروک ۶ شاه المیانی که تابع پارت است، حلقه فرمانروایی را به دو تن از حکام خود می‌دهد. با استفاده از این نقش می‌توان چنین استنتاج کرد که نه تنها تفویض قدرت به ساتراپ‌ها از طرف شهریاران پارت معمول بوده‌است، بلکه پادشاهان تابع نیز به حکام زیر نفوذ خود اختیارات کافی می‌دادند (بیانی، ۱۳۷۰: ۱۸).

بر فراز همین نقش برجسته، کلاه سلطنت اشکانی نقش شده‌است که نواری بدان بسته شده‌است (تصویر ۵). از آنجایی که این کلاه نواردار بر فراز تمام نقش برجسته‌ها نقر شده و ابعاد آن در مقایسه با دیگر نقش‌ها بزرگتر است، پس اهمیتی بالا دارد و این نشان از جایگاه ویژه نوارهای سلطنتی اشکانی است.

۶. نوارهای سلطنتی در میان حاکمان پارس و استخر^۷

در زمان هخامنشیان، پارس نقش مهمی در امپراتوری به عهده داشت. حکام این ناحیه از خاندان سلطنتی و از امتیازات خاصی برخوردار بودند. پس از انقراض امپراتوری هخامنشی، در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، فرمانروایان پارس به تابعیت اسکندر درآمدند و فاتح مقدونی آن‌ها را در مقام خود نگاه داشت. بعداً، سلوکیان و پارتیان نیز از وجود آن‌ها برای حفظ نظم و آرامش در منطقه پارس استفاده کردند. آن‌طور که از سکه‌های آن‌ها برمی‌آید، قدیمی‌ترین آن‌ها به ترتیب بغداد، هویز، اردشیر اول و اوتوفرادات اول (حدود ۲۰۰-۲۵۰ ق.م) بودند (تصویر ۹) که هر چهار فرمانروا باشلق مادی بر سر دارند، با این تفاوت که بر روی آن سربندی بر پیشانی بسته شده که دنباله آن در پشت سر آویزان است و مابقی این حاکمان از داریوش اول (حدود ۱۷۰ ق.م) تا اردشیر پنجم نیز همگی نوارهایی شبیه به سربندهای اشکانی دارند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۷۴، ۸۰، ۸۱). از آخرین نقوش نواردار این دوره می‌توان به دو نقش خراشیده شده بر تخت جمشید اشاره کرد: اولی مربوط است به شاهپور

بابکان، برادر بزرگتر اردشیر اول (مؤسس سلسله ساسانی)، که فقط سه ماه به عنوان ساتراپ فارس در آن دیار حکومت کرد و به هنگام بازدید از تخت جمشید بر اثر سقوط سنگ کشته شد؛ شکل دوم، از آن بابک، پدر شاهپور و اردشیر، است که بر روی یکی از درب‌های جانبی کاخ تچر داریوش کنده شده است (تصویر ۱۰). هر دو لباسی مادی بر تن و سربندی بر سر دارند که دنباله‌ای بلند در پشت دارد، با این تفاوت که نوار بابک مواج و دیگری ساکن است، لیکن به شوکت نوارهای سلطنتی بعدی نمی‌رسند (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۴).

۷. نوارهای سلطنتی ساسانی

برای شناخت دقیق نوارهای ساسانی، نخست می‌بایست به مفهوم دیهیم در این دوره پرداخت. نگارنده کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم به هنگام بیان نحوه واگذاری دیهیم شاهی توسط فریدون به ایرج، چنین بیان می‌دارد که «فریدون تاج و تخت و دیهیم و اورنگ را به ایرج سپرد» (حسینی قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۵۵) و یا حافظ ابرو در کتاب زبدة التواریخ از دیهیم چنین می‌آورد:

خداوند ملک و بزرگی و دولت خداوند دیهیم و شمشیر و افسر

(حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۸۱)

که خود گواه آن است که دیهیم همسنگ با چه واژگانی است، ولی مفهومی مجرد از این واژگان دارد و همان تاج یا افسر شاهی نیست. برخی از پژوهشگران حلقه و نوار را در نقوش ساسانی، دیهیم می‌دانند. «فر یا دیهیم شاهی حلقه ساده‌ای بود که در پیرامون سر بر روی پیشانی می‌نشست و در پشت سر دو نوار چیندار یا راه‌راه داشت (تصویر ۱۱)، به گمان، در زمان اسکندر به یونان راه یافت و با نام «دیادیم» معمول شد» (رجبی، ۱۳۸۳: ۵/ ۴۶۸)؛ و یا کارستن نیبور (Carsten Niebuhr) در توصیفات خود از نقش حلقه و نوار چنین می‌نویسد: «از این حلقه نوار پهنی آویزان است و از پشت هر دو نفر نوارهایی آویزان است» و آقای رجبی در پانویشت چنین می‌آورد: «حلقه‌ای که نیبور از آن صحبت می‌کند، دیهیم شاهی است و در این مجلس اردشیر اول در حال گرفتن دیهیم شاهی از اهورمزداست» (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۳۱، ۱۳۲). با توجه به آنچه در مورد دیهیم در دوره اشکانی و پیش از آن گفته شد، در خواهیم یافت که دیهیم تنها نوار بدون

حلقه است، چنان‌که در لغت‌نامه دهخدا «دیپیم به معنی تاج پادشاهان قدیم ایرانی است که در فرانسوی (Diademe) به معنی تاج، و در یونانی (Diadema) به معنی نوار یا رشته است، مخصوصاً نواری که گرد پادشاهان ایران بسته می‌شد» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «دیپیم»). آقای سودآور از نوارهای ساسانی به عنوان «دستار» یاد می‌کند. «دستار^۱ ساسانی جانشین دیپیم اشکانی شد و همانند آن به دور سر و زیر تاج و کلاه بسته می‌شد و شاید به همین علت عامه مردم آن را نمادی جدید ندانستند و کماکان دیپیمش خواندند» (سودآور، ۱۳۸۲: ۳۹). پس نوارهای ساسانی ریشه در دیپیم اشکانی دارد.

مضمون اصلی تمام نقش‌برجسته‌های ساسانی همچون مراسم اعطای نشان فرمانروایی از سوی اهورامزدا به شاه و یا صحنه پیروزی شاه در پیکار و شکار، تجلیل از شاه است (پاکباز، ۱۳۸۵: ۷۶۷). هنر ساسانی هنری کاملاً سلطنتی است که در خدمت پادشاهان و اشراف‌زادگان است (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۶). هنر این دوره را می‌توان شاهانه‌ترین هنر سلسله‌های ایران نامید، چراکه تقریباً محوریت تمام نقش‌های ساسانی، پادشاه است، تا آن‌جایی که نیروهای مافوق بشری همچون اهورامزدا برای مشروعیت‌بخشیدن به سلطنت نقش می‌شوند و نه برای پرستش. از این رو، نوارهای سلطنتی که نماد سلطنت هستند، به معنای واقعی کلمه، در دوران ساسانیان نمود می‌یابند.

برای فهم این مدعا می‌بایست در نظر گرفت که این نوارها به انضمام چه عناصری در هنر ساسانی نقش شده‌اند.

۱.۷ اشیاء

این نوارها همیشه همراه با اشیائی آورده شده‌اند که مقدس‌اند و نمودی الهی برای پادشاه دارند، یا اشیائی که بی‌واسطه متعلق به پادشاه ساسانی هستند.

– حلقه قدرت: باید در نظر داشت که حلقه قدرت یا افسر شاهی را نباید با تاج شاهان ساسانی که هرکدام شکلی خاص به خود داشت و مشخصه همان پادشاه بود، اشتباه گرفت. آن‌چه در این‌جا مدنظر است، همان حلقه دایره‌مانندی است که در مراسم تاج‌ستانی شاهان ساسانی مشاهده می‌شود. ناگفته نماند که گاهی این حلقه به صورت نیمه نیز به چشم می‌خورد که به آن نیم‌تاج می‌گویند، اما کاربرد آن از نظر اهدای فره ایزدی و نوارداربودن یکسان است (تصویر ۱۲). در هیچ‌کدام از این مراسم نقش‌شده در هنر ساسانی، حلقه بدون نوار نیست، چراکه نشانی است الهی برای پادشاه.

- کمان پادشاه: گاه متناسب با نیاز ترکیب‌بندی، نوار کمان برخلاف جهت باد به اهتزاز درآمده‌است (فریدنژاد، ۱۳۸۴: ۱۵۲)، گویا هنرمند قوانین طبیعی را زیر سؤال می‌برد، ولی حاضر به حذف نوار نیست (تصویر ۱۳). نمونه دیگری از این پدیده را در بشقاب سیمین زراندود در گالری فریر می‌توان دید. شاپور دوم در حال شکار گراز است و نوار کمانش در جهت حرکت سوار و برخلاف جهت باد به اهتزاز درآمده‌است (فریه، ۱۳۷۴: ۷۱).

- میوه پارس (انار) که گویا میوه پادشاهی محسوب می‌شد (تصویر ۱۴).

- هلال ماهی که بر فراز تاق بستان نقش شده و مظهر آناهیتاست و روی کلاه حاکمان پارس هم دیده می‌شود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۷۶) نیز به همراه خود نواری شاهانه دارد (موسوی حاجی، ۱۳۸۷: ۸۷) که در پایین و دو طرف آن گسترده شده‌است (تصویر ۱۵). جالب توجه است که خود دهانه غار، نیم‌تاجی نواردار است که نوارهای سلطنتی آن در دو طرف به بالا رفته‌اند (فریه، ۱۳۷۴: ۷۴). این عنصر نیز همان عنصری است که در تاج پادشاهان ساسانی نیز به چشم می‌خورد.

- در برخی از سکه‌های ساسانی، طرح نوار بر بدنه آتشدان به چشم می‌خورد، چنان‌که بر پشت سکه اردشیر آتشدانی است که به زبان پهلوی نوشته شده‌است: «آتش اردشیر» (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۶۸، ۸۷). به پایه‌های این آتشدان که در آن آتش پادشاه شعله‌ور است نیز دو نوار به صورت متقارن بسته شده‌است.

۲.۷ اهورامزدا و الهگان

- در تمام نقش برجسته‌های ساسانی، اهورامزدا، میترا و آناهیتا نواردار ترسیم شده‌اند، چنان‌که به عنوان مثال، در نقش برجسته پیروز اول^۹ و اردشیر دوم در تاق بستان، نرسی در نقش رستم و بهرام یکم در بیشاپور می‌توان دید (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۹۲-۲۹۶). باید توجه داشت که در تمام این نقش برجسته‌ها، شخص پادشاه نواری به همان شوکت دارد و اصلاً موضوع اصلی نقش، تقدیم حلقه نواردار به پادشاه است، گویا سلطنت جهان به پادشاه تفویض می‌شود.

۳.۷ انسان

با مقایسه نقوش انسانی ساسانی به این نکته پی خواهیم برد که تنها نقش انسانی که به حلقه، کمر یا ساق پای او می‌توان نوار دید، پادشاه ساسانی یا خانواده سلطنتی او است؛ به عنوان

مثال، وقتی به صحنه پیروزی شاپور بر والرین در نقش رستم توجه کنیم، متوجه این نکته خواهیم شد که نه والرین و نه فیلیپ عرب (به عنوان دو فرد غیرایرانی) چنین نواری را پشت سر و به کفش خود ندارند، در صورتی که شاپور این نوار را هم به کفش و هم به حلقه قدرت خود دارد. نقش کرتیر (به عنوان فردی ایرانی) که بعداً به نقش برجسته اضافه شده، با آن جایگاه اجتماعی، به عنوان مهم‌ترین موبد ساسانیان نیز فاقد چنین نواری است، در صورتی که اسب پادشاه در همین نقش برجسته به دم خود نوار دارد و این از انحصار این نوارها در خاندان سلطنتی و آنچه متعلق به این خانواده است، نشان دارد. تنها نقشی که شخصی غیر از پادشاه ساسانی دارای نوار است، نقش برجسته پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم (آخرین پادشاه اشکانی) در فیروزآباد فارس است (تصویر ۱۷) که در آن اردوان و وزیرش نیز دارای نوارهایی مشابه‌اند. نکته قابل توجه این جاست که اردوان و وزیرش در حال واژگونی هستند و نوارهایشان شکوه نوارهای اردشیر و شاپور را ندارد، گویا ساسانیان قصد بیان این را داشتند که اشکانیان نیز دارای نشان سلطنتی ایرانی بودند، ولی به دست ما ناپود شدند و سلطنت ما باشکوه‌تر خواهد بود. در قسمت چپ همین نقش برجسته، سربازی پارسی بر حریف پارتی خود غلبه کرده و دستان خود را گرد گردن او انداخته‌است؛ هیچ‌کدام از این سربازها چنین نواری را ندارند و در میان اسب‌های حاضر در میدان نبرد، فقط اسب اردشیر و شاپور است که به تاج خود چنین نوارهایی را دارند که گویای همان سلطنتی بودن این نوارهاست.

۴.۷ حیوانات

- اسب پادشاه: نوارهای سلطنتی را به دهنه، ساق پا و دم اسب‌های پادشاهان ساسانی می‌توان مشاهده کرد. «پیشانی‌بند»^{۱۱} از دوره یونانیگری نماد بسیار مهم سلطنت محسوب می‌شد و نه تنها شاهان، پاپک و شاپور، بلکه اسب شاپور نیز نوار پیشانی‌بند دارد» (هوف، ۱۳۹۲: ۴۳).

- قوچ که خود نماد فره ایزدی است. ابریشم‌ها و کت‌های حاشیه‌دار ایرانی که در آنتیگونه (Antioch) یافت شده‌اند، احتمالاً بهترین نمونه‌های پارچه‌های ساسانی باقی‌مانده محسوب می‌شوند. اگرچه در آن‌ها تاریخی به چشم نمی‌خورد، قدمت آن‌ها به اواخر قرن ششم میلادی بازمی‌گردد. یکی از این پارچه‌ها نقش باشکوه قوچی را که افسر شاهی به گردن دارد و روبان‌های ساسانی در پس آن به اهتزاز درآمده نشان می‌دهد (تصویر ۱۶). قوچ و گراز نماد خدای ورثرغنه هستند که عاملان شر را در اوستا مجازات می‌کنند

(Harris, 2004: 69). نمونه دیگری از قوچ نواردار را می‌توان در لوحی از ملاط گچ (یافت شده از کیش) مشاهده کرد (فریه، ۱۳۷۴: ۷۲). جالب توجه است که قوچ نواردار در دو بالی که بر تاج پادشاهان ساسانی دیده می‌شود، روبان شده است.

- اسب بالدار (تصویر ۱۸)

- پرندگانی که خروس، اردک یا طاووس نامیده شده‌اند (تصویر ۱۹) به عنوان قاصدانی از سوی خدایان بخت و اقبال، پارچه‌های باقی مانده را تزئین کرده‌اند. اردک با شیئی در مقار همان (Tse- Naio) پرندۀ جوئندۀ بودایی - چینی است که ساسانیان و بیزانس آن را اقتباس کردند و بعداً در طرح‌های اسلامی - اسپانیایی به کار رفت (Harris, 2004: 69, 70). این طور به نظر می‌رسد که حیوانات ماورایی نشان پادشاهی را برای شاه به ارمغان می‌آورند.

۸. تحلیل داده‌ها و ارزیابی فرضیات

با بررسی انجام شده بر نوارهای سلطنتی ایران در دوره‌های مختلف، می‌توان چنین ارزیابی کرد: این نوارها در زمان مادها هویتی مستقل نداشتند و جزئی از باشلق یا کلاه مادیان محسوب می‌شد که در میان درباریان از جمله نگهبانان، خدمتگزاران و رئیس نمایندگان خراجگزار رایج بود. نمونه باشلق‌های مادی را در میان پارتیان و حاکمان اولیه پارس نیز می‌توان مشاهده کرد، ولی به سرعت، چیزی جز نواری ساده از آن باقی نماند. بدین شکل، نوارهای سلطنتی هویتی مستقل یافت و نام دیهیم به خود گرفت، همان طور که بر سر اکثر شاهان اشکانی قابل مشاهده است. اشکانیان مراسم «دیهیم‌ستانی از خدایان» را از یونانیان اقتباس کردند. از آنجایی که حاکمان فارس (پیشینیان ساسانیان) در دوره اشکانی می‌زیسته‌اند، بسیاری از عناصر هنر اشکانی را که یکی از آن‌ها همین نوارها و مراسم دیهیم‌ستانی بود، از آن‌ها اقتباس کردند و به اخلاف خود انتقال دادند. نوارهای سلطنتی به دوره ساسانی راه یافت و در هنر شاهانه این دوره به اوج رسید. این نوارها به وفور در طرح‌های ساسانی نمود یافت، لیکن کاربرد نمادین خود را که بیان مفهوم «سلطنت» بود از یاد نبرد، چراکه هر آنچه به انضمام این نوارها آمده، یا متعلق به پادشاه ساسانی و خانواده اوست و یا از آن خدایان و نیروهای مافوق بشری. بدین ترتیب، هر نقش انسانی با این نوار، یا شاه و خانواده اوست و یا اهورامزدا، آناهیتا و میترا برای اهدای نشان سلطنتی به پادشاه؛ حیوانات نواردار نیز به عنوان واسطی میان شاه و خدا، نواردار نقش شده‌اند. اشیاء نواردار نیز یا اشیاء سلطنتی هستند و یا اشیائی مقدس در جهت الهی نشان دادن سلطنت.

۹. نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نتایج ذیل حاصل می‌آید:

- نوارهای سلطنتی در ایران، هم‌زمان با حاکمیت مادها، جزئی از باشلق یا کلاه درباریان بود. باشلق‌های مادی به پارتیان و حاکمان پارس رسید، ولی به‌سرعت چیزی جز نواری ساده از آن باقی‌نماند که به شکل سربند بر پیشانی اکثر شاهان اشکانی قابل مشاهده است و به نام دیهیم معمول گشت. از طریق حاکمان پارس، که اعقاب ساسانیان بودند، نوارهای سلطنتی به دوره ساسانی راه یافت و اوج استفاده از این نماد سلطنتی را در این دوره می‌توان مشاهده کرد.

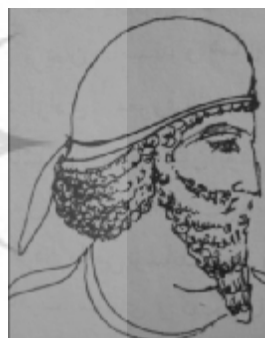
- هنر شاهانه ساسانی به‌خوبی از نوارهای سلطنتی که نمادی از پادشاهی بود، بهره برد.
- نوارهای سلطنتی ساسانی با حضور خود به افراد، اشیاء و حیوانات حامل آن، جایگاهی ویژه می‌بخشیدند. هرآنچه به انضمام این نوارها آمده، یا متعلق به پادشاه ساسانی و خانواده اوست و یا از آن خدایان و نیروهای مافوق بشری است که نشان سلطنتی را برای پادشاه به ارمغان آورده‌اند.

پی‌نوشت

۱. Fez، کلاه قرمز منگوله‌دار.
۲. نمونه‌هایی از این نوارهای سلطنتی را در امپراتوری آشور بر سر شلمانصر سوم (۸۲۳-۸۵۸ ق.م)، سارگون دوم (۷۲۲-۷۰۵ ق.م) و پسرش سنخریب (۶۸۱-۷۰۴ ق.م) می‌توان دید (Caubet and Pouyssegu, 1996: 12, 128, 133). از شاهان مصر باستان که به دنبال کلاه و تاج‌های مخصوص خود دنباله‌ای از نوار دارند، می‌توان از توتنخامون و آخناتن (تصویر ۲۶) نام برد (Gahlin, 2005: 130).
۳. صفحات ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۸۶، و ۳۵۸ همین کتاب نیز دارای تصاویری از پادشاهان اشکانی است که نواری مشابه بر سر دارند.
۴. بیانی چنین می‌گوید: «از این نوع کلاه، ارشک اول، تیرداد، فریپات و فرهاد اول در نقش سکه‌هاشان بر سر دارند» (بیانی، ۱۳۷۰: ۴۰).
۵. نیک یا نیکه: ایزدبانوی پیروزی رومیان (Victoire) که با دو بال خود شتابان به سمت فرد پیروز پرواز می‌کند و تاجی را که در دست دارد به او می‌بخشد. هنرمندان او را به صورت زن بالدار نشان داده‌اند که نماد و تجسم پیروزی است و تاجی را حمل کرده و ایزدان و پهلوانان را در جریان کارهایشان هدایت می‌کند. او همیشه همراه آتنا (آتنا نیکه) بود (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

احمد زارع ابرقویی و دیگران ۱۰۳

۶. این نقوش در فاصله پنجاه کیلومتری شمال بهبهان، بخش لیکک شهرستان کهگیلویه قرار دارد و قدمت آن به اوایل قرن دوم پیش از میلاد می‌رسد (بیانی، ۱۳۷۰: ۱۸).
۷. استخر در روزگار ساسانیان تا نیمه اول سده سوم میلادی پایتخت و ضرابخانه فارس بود و بعد از آن فیروزآباد جای آن را گرفت (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۹۲).
۸. «یکی از معانی دست پیروزی است و ترکیب «دست‌آر» می‌تواند به معنی «آورنده پیروزی» باشد» (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۵). در این پژوهش از واژه نوار که ترجمه (Ribbon) است استفاده شده، چراکه واژه «دستار» به معنی «آورنده پیروزی» برای نواری که مثلاً به پای اسب‌های ساسانی بسته شده‌است، بی‌معنی است.
۹. تاق بزرگ بستان متعلق به پیروز اول است و پادشاهی که در حال تاج‌ستانی است، خسرو پرویز نیست (موسوی حاجی، ۱۳۸۷: ۹۲).
۱۰. در متن اصلی کتاب به لاتین واژه (Diadem) به کار رفته‌است و مترجم به جای دیهیم آن را پیشانی‌بند ترجمه کرده‌است.



تصویر ۱. تخت جمشید، کلاه مادی (میترا).
تصویر ۲. نقش بزرگزاده هخامنشی
تصویر ۳. مهر هخامنشی
قرن ۵ پیش از میلاد (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۹)
روی سکه (رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)
(غیبی، ۱۳۸۵: ۱۴۱)



تصویر ۵. کلاه نواردار اشکانی، تنگ سروک

تصویر ۴. نقش فراه‌داره (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۹۲)



تصویر ۸. سکه یونانی، نیکه (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۶)



تصویر ۷. سکه اشکانی، نیکه (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۴)



تصویر ۶. سکه اشکانی، راست: ارد دوم (۵۶ پیش از میلاد تا ۳۶ پیش از میلاد)، چپ: گودرز دوم (۴۵ میلادی تا ۵۱ میلادی) (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۲)



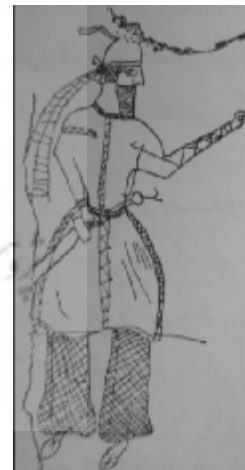
تصویر ۹. سکه‌های حاکمان پارس، از راست: بغدات، هویرز، اردشیر اول و اوتوفرادات اول، (حدود ۲۵۰ ق م-۲۰۰ ق م) (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۸۰)



تصویر ۱۱. تاق بزرگ بستان، نیم‌تاج در دست الهه پیروزی یا نیکه (فریه، ۱۳۷۴: ۷۴)



تصویر ۱۲. بخشی از بشقاب سیمین زراندود در موزه مهیو ژاپن، الهه پیروزی نیم‌تاج را برای پادشاه ساسانی (احتمالاً قباد اول) که در حال شکار شیر و گراز است، می‌برد (محمدپناه، ۱۳۸۶: ۱۹۴).



تصویر ۱۰. تخت جمشید، نقش راست: شاهپور

بابکان؛ نقش چپ: بابک (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۱۳، ۳۱۵)



تصویر ۱۴. لوح ملاط گچی از کیش، اتارها در برگ نخل با رویان بسته‌بندی شده‌اند (فریه، ۱۳۷۴: ۷۲).



تصویر ۱۳. بخشی از بشقاب سیمین زراندود قلم‌زنی شده در موزه متروپولیتن نیویورک امریکا، پادشاه ساسانی (فیروز یا قباد اول) در حال شکار قوچ، اواخر قرن ۵ میلادی (محمدپناه، ۱۳۸۶: ۱۹۷)



تصویر ۱۶. پارچه ابریشمی با نقش قوچ نواردار، آنتیگونه، مصر، قرن ۶ میلادی (Harris, 2004: 69)



تصویر ۱۵. تاق بزرگ بستان، هلال ماه نواردار بر فراز غار (فریه، ۱۳۷۴: ۷۴)



تصویر ۱۷. فیروزآباد، فارس؛ از راست: اردوان پنجم در حال واژگونی، اردشیر اول، وزیر پارتی در حال واژگونی، شاپور اول، سربازی ساسانی گردن سربازی پارتی را با دست گرفته‌است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۱۴).

منابع

- اسمیت، ژوئل (۱۳۸۷). فرهنگ اساطیر یونان و روم، ترجمه شهلا برادران خسروشاهی، تهران: فرهنگ معاصر.
- اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۵). کتیبه‌های پهلوی، تهران: پازینه.
- بیانی، ملکزاده (۱۳۷۰). تاریخ سکه از قدیمترین ازمه تا دوره ساسانیان، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۵). دایرةالمعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰). زیده‌التواریخ، تصحیح سید کمال حاج‌سیدجوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی قزوینی، شرف‌الدین فضل‌الله (۱۳۸۳). المعجم فی آثار ملوک‌العجم، تصحیح احمد فتوحی‌نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۳). هزاره‌های گم‌شده، ج ۵، تهران: توس.
- رحیمی، پریچهر (۱۳۸۵). تاریخ پوشاک ایرانیان، تهران: دانشگاه هنر.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۲). طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و یافته‌های ساسانی، تهران: گنجینه هنر.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ و فریدون آوزمانی (۱۳۷۹). سکه‌های ایران، تهران: سمت.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ و بهمن فیروزمندی (۱۳۸۱). باستانشناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران: عفاف.
- سفر، فزاد؛ و محمدعلی مصطفی (۱۳۷۶). هترا (حضرا) شهر خورشید، ترجمه نادر کریمان سردشتی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳). فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، هوستون: میرک.
- طاهری، علیرضا (۱۳۸۸). «تأثیر شکل سیمرخ ساسانی بر روی هنر اسلامی، بیزانس و مسیحی»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ش ۳۸.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵). هشت‌هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
- فریدنژاد، شروین (۱۳۸۴). «اسب و سوار در هنر ساسانی»، کتاب ماه هنر، ش ۸۹ و ۹۰.
- فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه.
- لغت‌نامه (۱۳۵۱). به کوشش علی‌اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدپناه، بهنام (۱۳۸۶). کهن‌دیار، تهران: سبزان.
- موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۷). «تأملی دیگر در اثبات هویت واقعی و محتوای تاریخی نقش برجسته‌های تاق بزرگ بستان»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵.
- نیبور، کارستن (۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد زارع ابرقویی و دیگران ۱۰۷

هوف، دیتیش (۱۳۹۲). شکل‌گیری و ایدئولوژی دولت ساسانی از روی شواهد باستان‌شناختی، ساسانیان، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.
یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۶). انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.

Chrissanthos, S. G. (2008). *Warfare in the Ancient World*, USA: Praeger Publishers.

Caubet, Annie; and Pouyssegu (1996). *The Ancient Near East*, Paris: Terrail.

Calmeyer, Peter (2011). "Crown", *Encyclopedia Iranica*, in:

<http://www.iranicaonline.org/articles/crown-i>.

Gahlin, Lucia (2005). *Egypt: Gods, Myths and Religion*, London: Hermes House.

Harris, Jennifer (2004). *5000 Years of Textiles*, London: British Museum.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی